

مبانی قرآنی مؤلفه‌های الگوی سوم زن مسلمان در بیانات رهبری

فاطمه مطوس^۱، محمدصادق فاضل^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۸

چکیده

الگوی سوم زن مسلمان، به عنوان یک چارچوب جامع و اسلامی برای نقش و جایگاه زنان در جامعه، بر اساس آموزه‌های قرآنی و رهنمودهای مقام معظم رهبری تدوین شده است. این مقاله به بررسی مبانی قرآنی مؤلفه‌های این الگو پرداخت و با تحلیل بیانات رهبری، تصویری واضح و مستند از نقش زنان مسلمان در جامعه معاصر ارائه داد. در این راستا، ابتدا با عنایت به بیانات مقام معظم رهبری در مورد الگوی سوم مؤلفه‌ها استخراج گردید، سپس آیات مرتبط با آن مؤلفه‌ها در خصوص زن از قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفت. در نتیجه، مقاله به این نکته می‌رسد که تبیین دقیق و صحیح مبانی قرآنی و توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل و چالش‌های پیش‌روی زنان مسلمان باشد و مسیر روشن‌تری برای آینده آنان ترسیم کند. در این مقاله مبانی قرآنی مؤلفه‌های الگوی سوم زن با محوریت بیانات مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار می‌گیرد. اهم مؤلفه‌ها از منظر حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی عبارتند از عفاف و حجاب، معنویت، انسانیت، نقاط مشترک در رسیدن به معنویت و استعداد فکری، کوه ایمان و چشمه احساس، ابزار جنسی نبودن و حضور درمیدان سیاسی که به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت. در تحقیق از روش نقلی و تحلیلی استفاده گردید.

واژگان کلیدی: الگوی سوم زن مسلمان، مقام معظم رهبری، عفاف و حجاب، معنویت.

۱. طلبه دانش آموخته الزهراء (ع) اهواز، ارشد کلام شیعه دانشگاه امیرالمومنین (ع) اهواز،

motavas.114@gmail.com

۲. مدرس و پژوهشگر رشته فقه، سطح چهار حوزه، m-60-sfazel@yahoo.com

مقدمه

در دین مبین اسلام، زنان از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و به عنوان نیمی از جامعه، تاثیرگذار در تمامی ابعاد زندگی شناخته می‌شوند. با توجه به اهمیت و جایگاه زن در اسلام، ارائه الگویی مناسب که همسو با مبانی قرآنی باشد، ضروری به نظر می‌رسد.

در حوزه حیات خانوادگی، محور و کانون خانواده زن است. رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: مدیر خانواده زن است، محور کانون خانواده زن است، مهمتر از همه مشاغل زن، مادری، همسری و ایجاد آرامش و سکینه است. مایه سکونت و آرامش است. این خصوصیت زن در اسلام است (بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۶) در عین حال، آیت الله خامنه‌ای کار بدون تزامم با مادری و همسری را برای زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور، بسیار روا دانسته و مطلوب ارزیابی می‌کند. ایشان شغل را به مشاغل اقتصادی صرف تقلیل نمیدهد؛ بلکه اشتغالات سیاسی و اجتماعی و فعالیتهای خیرخواهانه را نیز مشغله‌های مثبت و گزینه‌های در اختیار زنان ارزیابی می‌کند (بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰).

باور به توان زنان برای ایجاد این تعادل، ولو با پذیرش سختی و مجاهدت در این مسیر، از دیگر ایده‌های ایشان است که به نظر می‌آید، به عنوان یک رهبر عالی سیاسی امری مهم تلقی شود. آیت‌الله خامنه‌ای، عفت زن را مهم‌ترین ویژگی شخصیتی او می‌داند و توصیه می‌کند که همه فعالیت‌ها در حوزه زنان با توجه به این ویژگی زنان باشد: حفظ عفت به معنای حفظ روح از هرگونه ناپاکی بوده و توجه ابتدایی به این موضوع نشان دهنده اهمیت رشد معنوی زن در گفتمان انقلاب اسلامی است (بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۶) بر همین اساس، از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، فعالیت‌هایی ارزشمند است که ناظر به رشد زن در ابعاد انسان کامل باشد وگرنه، حتی رشد صرف ابعاد مادی، پیشرفت واقعی به حساب نمی‌آید (بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۶) همچنین، حفظ شرافت زن به معنای صیانت از بزرگواری و بلند مرتبگی او به ویژه در انتخاب و انجام شغل و فعالیت‌های اجتماعی از دیگر دغدغه‌های آیت‌الله خامنه‌ای است. وی در ریشه‌یابی این واژه به قوت و رفیع بودن جایگاه زن اشاره دارد و بروز شرافت و عفت را در حجاب زن جست‌وجو می‌کند (بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته حوزوی، ۱۳۹۲).

مقاله حاضر با عنوان "مبانی قرآنی مولفه‌های الگوی سوم زن مسلمان در بیانات مقام معظم رهبری"، به بررسی و تبیین مولفه‌های اصلی این الگو از منظر آیات قرآن کریم و بیانات ارزشمند مقام معظم رهبری می‌پردازد. اهم مؤلفه‌هایی که در این مقاله

سعی بر بررسی آن داریم عبارتند از: عفاف و حجاب، معنویت، انسانیت، نقاط مشترک در رسیدن به معنویت، کوه ایمان و چشمه احساس، ابزار جنسی نبودن و حضور در میدان سیاسی می‌باشند.

۱. عفاف و حجاب

یکی از مؤلفه‌هایی که مقام معظم رهبری برای الگوی سوم زن مسلمان مطرح کرده‌اند و می‌توان برای آن مبنای قرآنی به دست آورد عفت، حجاب و شرافت در کنار حضور در متن و مرکز جامعه است. این فرمایش مقام معظم رهبری حفظه الله: «زن، در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی؛ و در تعریف غالباً غربی، بمثابة‌ی موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان، گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود، و درعین حال، در متن و مرکز بود. (پیام به کنگره‌ی «هفت هزار زن شهید کشور» ۱۶/۱۲/۱۳۹۱) به همین مطلب اشاره دارد.

عفت در لغت به معنای خودنگهداری و در اصطلاح اخلاقی به معنای خویشستن داری در برابر تمایلات افراط گونه نسبت به لذت‌های مادی و نفسانی است که در قرآن مورد توجه واقع شده و در تفکر اسلامی عفت شامل منزّه بودن پاکی دست چشم زبان شکم و دامن از هرگونه عیب و بدی است زیر بنای اخلاق می‌باشد. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۳۹) حجاب نیز پوشیدن و هم به معنی پرده و حاجب می‌باشد. (نکاح جلد ۱ صفحه ۳۲)

عفت در اصطلاح اخلاق، به معنی خویشستن داری در برابر تمایلات افراط گونه نسبت به لذت‌های مادی و نفسانی، که نقطه مقابل شهوت است، گفته می‌شود و باید قوه شهوت در خوردن و آمیزش جنسی، مطیع عقل باشد و از چیزی که عقل و شرع نهی کرده، اجتناب نماید و این حد اعتدال در شرع، ستوده شده است. (سید جوادی، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۳۱۰)

در قرآن، نشانه‌های مختلفی برای حفظ عفت ذکر شده است؛ از جمله: پرهیز از اختلاط زن و مرد نامحرم، دوری کردن از رفتارها و گفتارهای تحریک‌آمیز و خودآرایی برای نامحرم، اجتناب از روابط نامشروع، زنا و لواط، پرهیز از تکدی (در خواست از این و آن در کوی و برزن) و گدایی، حیا، حجاب و حفظ نگاه (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج



۲۰ ص ۴۴۵ الی ۴۴۸)

در قرآن از برخی زنان نام برده شده که به زینت عفت، حجاب و شرافت آراسته بوده‌اند؛ از جمله: در مقام معرفی ملکه عفاف از حضرت مریم یاد می‌کند. «قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا؛ (مریم، ۱۸) مریم گفت: «من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم اگر پرهیزکار باشی.» یعنی نه تن‌ها خودش میل ندارد؛ آن فرشته را هم که به صورت بشر متمثل شده نهی از منکر می‌کند و می‌گوید اگر تو با تقوایی دست به این کار نزن.. "ان كنت تقيا" امر به معروف و نهی از منکر است و نظیرترین ارشادات ذات اقدس الهی است که فراوان می‌فرماید: "اگر مومنین بر اساس ایمانتان عمل کنید؛ «إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ اگر مؤمن‌اید بر اساس ایمانتان عمل کنید».

یکی دیگر از مصادیق قرآنی که الگوی عفت و حیا و حجاب و شرافت می‌باشد دختران شعیب هستند که در قرآن سوره قصص آیه ۲۵ از آنان یاد شده است. «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا؛ ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی‌داشت، گفت: «پدرم از تو دعوت می‌کند تا مزد آب دادن (به گوسفندان) را که برای ما انجام دادی به تو بپردازد.» از آنچه گفته شد روشن است که زنان در مقام شهوت و عفاف عهده‌دار ممتازترین نقش برای حفظ ادیان ابراهیمی بوده‌اند و در بخش علم نیز در حد مردان مژده الهی را از فرشتگان دریافت می‌دارند و پیام طهارت و استطفا را از زبان آنان می‌شنوند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶)

۲. معنویت

مؤلفه دیگری که رهبر معظم انقلاب برای الگوی سوم زن مسلمان مطرح می‌نمایند، معنویت زن است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «در طبیعت الهی زن، آن‌چنان لطافت و زیبایی و گرمای محبتی وجود دارد که می‌تواند هم خود را و هم محیط پیرامون خود را- چه در داخل خانه، چه در هر محیطی که باشد- به طرف معنویت، پیشرفت و علو مقامات علمی و عملی سوق دهد و پیش ببرد.» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۲۵/۳/۱۳۸۴)

یکی از عوامل رشد و پیشرفت در خانواده وجود زنانی است که با محبت و معنویت خود می‌توانند محیطی آرام و شاد برای سایر اعضا فراهم کنند. در قرآن خداوند ذیل آیات ۱۱ تحریم، ۲۸ و ۳۵ احزاب به این ویژگی زنان اشاره می‌کند: وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي

مِنْ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ و برای کسانی که ایمان آورده‌اند خدا همسر فرعون را مثل آورده آنگاه که گفت پروردگارا پیش خود در بهشت خانه‌ای برایم بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات ده و مرا از دست مردم ستمگر برهان. در این آیه خداوند از آسیه بعنوان نمونه زن مؤمن یاد می‌کند در تفسیر نمونه اشاره می‌کند که علی رغم نهی‌های فرعون که با شکنجه همراه بود، همسرش با ایمان راسخ استقامت کرد و هرگز تسلیم خواسته‌های فرعون نشد. (مکارم شیرازی. ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۹۵)

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع [فرمان خدا] و زنان مطیع [فرمان خدا]، مردان راستگو و زنان راستگو، و مردان صابر و شکیبا و زنان صابرو شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق‌کننده و زنان انفاق‌کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که [بسیار خدا را] یاد می‌کنند، خداوند برای همه‌ی آنان آمرزش و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.» در دو آیه مذکور به شاخص ایمان و معنویت اشاره می‌کند؛ صفاتی که در صورت ملکه شدن در زنان، موجب رشد و پیشرفت خانواده خواهد شد و برای نمونه قرآن از آسیه یاد می‌کند.

بانو آسیه انعکاسی از انقلاب موسی علیه السلام در خلوت‌ترین جایگاه و نزدیک‌ترین منظری است که می‌تواند فرعون را به وحشت بیندازد او قرار بود از خلوت فرعون قدرت خداوند و پوچی طاغوت را اظهار کند از این رو سرنوشتی جز شهادت نخواهد داشت شهادتی که تصویرش در سوره مبارکه تحریم ترسیم شده است در لحظات آخر عمر شریف بانو آسیه علیه السلام جایی که کسی صدایش را نمی‌شنید چون رمقی برای بر لب جاری کردن کلمات نداشت جز خدایی که شنید و در قرآن آورد عبارات باشکوه بانویی را که فرمود: "رب ابن لی عندک بیتا فی الجنه" خدایا پیش خودت در جنت برای من خانه‌ای بساز" و نجنی من فرعون و عمله "مرا از فرعون و عملش نجات بده" و نجنی من القوم الظالمین "مرا از قوم ظالم نجات بخش بانو آسیه با معنویتی که داشت صفت حرمت و رعایت حریم در جامعه را در خود تثبیت نمود لذا همانطور که مقام معظم رهبری می‌فرمایند در زمینه مسائل معنوی زنان جزو پیشگامان حرکت معنوی انسان به سوی پیشرفت‌ها هستند در قرآن وقتی می‌خواهد برای انسان‌های مؤمن مثال بزند می‌فرماید



و ضرب الله مثلاً للذین آمنوا امرات فرعون/تحریم ۱۱ از یک زن مثال می‌زند.

۳. انسانیت

ویژگی سوم که در فرمایشات حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای برای الگوی سوم زن مسلمان به آن اشاره می‌شود انسانیت است. ایشان معتقدند که در الگوی سوم زن مسلمان، زن، قبل از اینکه زن باشد، انسان است و می‌فرمایند: «نگاه اسلام به جنسیت، یک نگاه درجه‌ی دو است؛ نگاه اول و درجه‌ی یک، حیث انسانیت است؛ که در آن، جنسیت اصلاً نقشی ندارد و جنسیت یک امر ثانوی است، یک امر عارضی است؛ در کارکردهای زندگی معنا پیدا می‌کند، در سیر اصلی بشر هیچ تأثیری ندارد.» (بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۴/۱۰/۱۳۹۰)

در دیدگاه اسلام و قرآن، زن به عنوان انسان ارزشمند است و هر تمجید و تحسینی که در مورد انسان مطرح باشد، بدون استثناء و بدون هیچ کم و کاستی در مورد زن هم صادق است. افزون بر این، حتی از حیث جنسیت یعنی از حیث زن بودن و موقعیت‌ها و نقش‌هایی که در این رابطه می‌یابد، هم موجودی ارزشمند تلقی شده است. زن، به عنوان یک انسان، موجودی الهی و شایسته نیل به همه کمالات دارد. قرآن کریم درباره استعدادها و امکانات مربوط به زن و مرد نگرش واحدی دارد و هدف آفرینش آدمیان را که عبودیت، حیات طیبه و رضوان الهی است، به صورت عام مطرح کرده است.

اسلام، زن را در ارزش‌های انسانی مانند ایمان، عمل صالح، علم و دانش، تقوا و پارسایی و هجرت و جهاد، همانند مرد قلمداد می‌کند. افزون بر این، اسلام رعایت حرمت و احترام زن را در جامعه لازم شمرده و حضور اجتماعی و نظارت بر اعمال و رفتار جامعه اسلامی (امر به معروف و نهی از منکر) را به عنوان حق و وظیفه زنان نیز معرفی می‌کند.

اسلام ارزش فوق‌العاده‌ای برای وظایف زن در امور مربوط به همسررداری و مادری و تربیت فرزندان قائل است و حسن اجرای این وظایف را هم‌سنگ و هم‌وزن تمام فضایل و کمالات متصور برای مردها می‌داند. خلاصه اینکه اسلام و قرآن با صراحت کامل بر خلقت انسانی زن صحه گذاشته و بدین طریق تمام بینش‌های انحرافی و تحقیرکننده در مورد زن را نفی می‌کنند. (عظیمی‌فر، ۱۴۰۲)

این ویژگی زنان در الگوی سوم زن مسلمان که در بیانات رهبری به آن اشاره شده است، بارها قرآن به آن اشاره نموده و در آیات متعددی مفهوم و مضمون آن به چشم

می‌خورد که در ادامه به برخی از این آیات اشاره می‌شود:

الف. در سوره انشقاق آیه ۶ خداوند رحمان می‌فرماید «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ؛ ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد!». علامه جوادی آملی در ذیل این آیه شریفه می‌نویسد: «خطاب به انسانیت انسان است و در انسانیت، ذکورت و انوشت نقش ندارد؛ بلکه مهم آن است که انسان سرانجام به دیدار خدا می‌رسد؛ یا به لقاء جلال الهی؛ در این راه زن و مرد همتای یکدیگرند.» (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۱). آیه مذکور تلاش مطلق انسان بدون قید جنسیت را عامل لقاء پروردگار می‌داند.

ب. خدای سبحان در آیه ۳۵ سوره احزاب می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛ به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبیا و زنان صابر و شکیبیا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.» در آیه مذکور به تمام ویژگی‌های موردنیاز برای رسیدن به کمال اشاره شده است، اعم از مردان و زنان.

ج. همچنین در آیه ۷۰ سوره اسراء می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلَهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ و همانا فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا به حرکت در آوردیم و از طیبات روزی‌شان کردیم و بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری‌شان دادیم.» از جمله ویژگی‌هایی که قرآن کریم برای انسان برشمرده و در آیه به صراحت بیان شده، کرامت انسان است. بررسی دقیق و منصفانه آیات قرآن به وضوح نشان می‌دهد که قرآن کریم به کرامت ذاتی انسان باور دارد و آن را مبنایی ضروری برای کرامت اکتسابی او می‌داند^۱. کرامت ذاتی، ویژگی‌ای است که خدا در وجود انسان قرار داده و تحسین آن هم بیش و پیش از خود

۱ از کرامت اکتسابی در قرآن تحت عنوان «تقوا» (حجرات، ۱۳) نام برده شده است



انسان، به آفریننده و خداوندگار او سزاوار است. اما کرامت اکتسابی، مرتبه‌ای است که انسان با بهره بردن از کرامت ذاتی و با تلاش و عمل خود به آن دست می‌یابد و مستحق پاداش و تکریم می‌شود. پس در موضوع کرامت هم ملاک تلاش و عمل انسان است که می‌تواند در رسیدن به قله کرامت و دریافت پاداش اولویت ببخشد و در این مسئله، فرقی بین زن و مرد نیست.

د. آیه بعدی که می‌تواند مستند ویژگی سوم از مؤلفه‌های الگوی سوم زن مسلمان باشد، آیه ۱۳ سوره حجرات است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (این‌ها ملاک امتیاز نیست)، گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است!» در مورد این آیه توجه به چند نکته حائز اهمیت است: از جمله اینکه کرامت ذاتی برای همه فرزندان آدم است و هیچ قیدی، اعم از ایمان و اسلام، مطرح نشده است. همچنین برای انسان کرامت‌یافته، همه امکانات، وسائل، فرصت‌ها و ظرفیت‌های حرکت و تلاش و سازندگی مهیا شده است. (مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم، کیهان، ۱۳۹۵) علامه طباطبایی معتقد است که «نعمت عقل در وجود انسان قرار داده شده است که در وجود سایر موجودات نیست و وجود این نعمت مایه کرامت اوست؛ اما انسان در باقی نعمت‌ها با دیگر آفریدگان شریک است؛ هرچند آن نعمت‌ها را در حد تمام‌تر و کامل‌تر دارد و از این رو بر آنها برتری داده شده است». (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۲۱۴) بنابر این انسان بر سایر موجودات برتری دارد و نباید به گونه‌ای زندگی کند که در مرتبه آنها قرار گیرد. اگر قرآن برخی از انسان‌ها را با القاب و صفات حیوانی یاد می‌کند، بدان سبب است که آنها کرامت و برتری خود را نسبت به سایر موجودات و از جمله حیوانات، نادیده گرفته و به زندگی پست روی آورده‌اند.

۴. نقاط مشترک در رسیدن به معنویت و استعداد فکری

از نگاه رهبر معظم انقلاب، زن در کار و صنف با مرد متفاوت است ولی در عین حال، در سیر مقامات معنوی و استعدادهای فکری و علمی با او مشترک است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «نگاه اسلام نسبت به زن و مرد، نگاه انسان است؛ در مسئله‌ی انسانیت، سیر مقامات معنوی، استعدادهای فراوان فکری و علمی هیچ تفاوتی نیست، اما قالبها دو قالب است: یک قالب برای یک کار و یک صنف کار است، یک قالب برای یک کار دیگر است؛ البته کارهای مشترکی هم وجود دارد.» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان

برگزیده کشور ۱۳۹۳/۱/۳۰

خداوند متعال در آیه ۱۹۵ سوره آل عمران می‌فرماید: «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ» خداوند، درخواست آنها را پذیرفت؛ (و فرمود:) من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد؛ شما همنوعید، و از جنس یکدیگر! آن‌ها که در راه خدا هجرت کردند، و از خانه‌های خود بیرون رانده شدند و در راه من آزار دیدند، و جنگ کردند و کشته شدند، بی‌یقین گناهانشان را می‌بخشم؛ و آنها را در باغهای بهشتی، که از زیر درختانش نهرها جاری است، وارد می‌کنم. این پاداشی است از طرف خداوند؛ و بهترین پاداشها نزد پروردگار است.»

در روایت آمده است که این آیه درباره علی علیه السلام نازل شده که فواطم یعنی فاطمه بنت اسد مادر خود فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه دختر زبیر را با خود حرکت داد و به سوی مدینه هجرت کرد و در مکانی به نام ضجنان، ام ایمن چند نفر از مومنان ناتوان به آن جناب ملحق شدند و به اتفاق حرکت کردند در حالی که در همه حالات ذکر خدا می‌گفتند تا به رسول خدا ملحق شدند. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۹۳)

در تفسیر نمونه ذیل آیه شریفه اشاره می‌کند: ۱. در پیشگاه خداوند، بین زن و مرد در برخورداری از نتایج اعمال، تفاوتی نیست؛ ۲. تبعیض بین مرد و زن در اجرت کار یکسان روا نیست؛ ۳. همه انسانها، چه زن و چه مرد، دارای حقیقت و ماهیتی واحد هستند؛ ۴. یکسانی زن و مرد در ماهیت و حقیقت انسانی، فلسفه تساوی آنان در برخورداری از اجر و پاداش اعمال نیک است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۵۶)

طبق آیه ۱۹۵ سوره آل عمران روشن می‌شود؛ که به گفته پاره‌ای از افراد بی‌اطلاع که گاهی اسلام را متهم می‌کنند که اسلام دین مردهاست و نه زن‌ها، چه اندازه از حقیقت دور است. اگر در پاره‌ای از قوانین اسلام به دلیل تفاوت‌های جسمی و عاطفی که میان زن و مرد وجود دارد تفاوت‌هایی از نظر مسئولیت‌های اجتماعی دیده می‌شود این به هیچ وجه به ارزش معنوی زن لطمه نمی‌زند و زن و مرد از این لحاظ با یکدیگر تفاوتی ندارند و درهای سعادت به طور یکسان به روی هر دو باز است باید توجه کرد که این آیه و آیات مشابه در عصری نازل شده است که که بسیاری از ملت‌های دنیا در انسان بودن جنس زن تردید داشتند و زن را موجودی نفرین شده و سرچشمه گناه و انحراف می‌دانستند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۵۶)



از همین روست که مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «نگاه اسلام نسبت به زن و مرد، نگاه انسان است؛ در مسئله‌ی انسانیت، سیر مقامات معنوی، استعدادهای فراوان فکری و علمی هیچ تفاوتی نیست» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور ۳۰/۱/۱۳۹۳)

۵. کوه ایمان و چشمه احساس

ایمان، مؤلفه دیگری برای زن در الگوی سوم است که مقام عظمای ولایت در سخنرانی‌های خود به آن اشاره دارند و معتقدند که زن کوه استوار از ایمان است، در عین اینکه چشمه جوشانی از احساسات است. ایشان می‌فرمایند: «زن با نقاط قوت زنانه‌ی خود- که خدای متعال در وجود او به ودیعه گذاشته و مخصوص زن است- همراه با ایمان عمیق، همراه با استقرار ناشی از اتکاء به خداوند، و همراه با عفت و پاک‌دامنی- که فضای پیرامون او را نورانیت می‌بخشد- می‌تواند در جامعه یک نقش استثنائی این‌گونه ایفا کند؛ مثل کوه استواری از ایمان، درعین حال مثل چشمه‌ی جوشانی از عاطفه و محبت و احساسات زنانه، تشنگان و محتاجان نوازش را از چشمه‌ی صبر و حوصله و عاطفه‌ی خود سیراب می‌کند. اگر زن با این خصوصیات در عالم وجود نبود، انسانیت معنا پیدا نمی‌کرد. این، معنای ارزش زن و تشخیص زن است (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۲۵/۳/۱۳۸۴)

واژه ایمان از ریشه «أمن» گرفته شده است که فعل ثلاثی مجرد آن «أَمِنَ، بِأَمْنٍ وَأَمْنًا» به معنای آرامش و اطمینان قلب و نبود ترس است. فعل ثلاثی مزید آن «أَمَّنَ، یُؤْمِنُ و ایماناً» است، که اگر متعدی به «بَا و لام» باشد به اتفاق اهل لغت به معنای تصدیق کردن است. وبه همین معناست آیه (وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا) (کتاب العین، ۱۴۰۸ ق واژه امن، ج ۸، ص ۳۸۹؛ معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴ ق واژه امن، ج ۱، ص ۱۳۳-۱۳۵؛ لسان العرب، ۷۱۱ ق واژه امن، ج ۱۳، ص ۲۱؛ اقرب الموارد، ۱۳۷۷ ق، ج ۱، ص ۷۳) در اصطلاح از منظر امام خمینی رحمت الله علیه، ایمان همان تصدیق قلبی خدا، پیامبر و آنچه که پیامبر یقیناً آورده است، می‌باشد. (خمینی، ۱۳۸۲، ص ۸۸)

مادر دارای محبتی است بلاشرط، محبتی توأم با دخالت احساس و گاهی بدون دخالت عقل، با شدت و قوتی فوق العاده که از مهمترین جلوه‌های حیاتی بشر است. مادری فداکاری و گذشت است و این فداکاری از مظاهر برجسته شرف مادری است که در آن گذشت از خود و رسیدن به دیگری مطرح است. حقیقت زندگی او عشق ورزیدن، دوست داشتن، نادیده گرفتن و گذشت کردن و فداکاری است. مادری تنها به پذیرش رنج دوران حمل و زادن و بدنیا آوردن نیست. کودک را با شیر دادن از طریق خود و

پستانک نیست. مادری تنها قنذاق کردن و پوشیدن طفل نیست، بلکه پروراندن آن به معنای علمی کلمه است. اساس کار مادری لااقل از لحظه حمل تا پایان دوره اساسی تربیت ادامه دارد و در این مدت مسئول پرورش جسمی، عقلی، رشد عاطفی، اخلاقی و بالاخره انسان‌سازی است و باید آگاهی به مسائل اجتماعی، روانی، تربیتی، بهداشتی داشته باشد و در اجرای آنها کوشا باشد. (خبرگزاری مهر، «مادری چیست و مادر کیست؟»، ۱۳۹۲ (۱۰ اردیبهشت)، مشاهده شده در ۱۴۰۳/۰۳/۰۷)، (www.mehrnews.com)

در قرآن، بانوانی را می‌توان یافت که کوه استوار از ایمان بودند و در عین حال، چشمه جوشانی از احساسات بوده‌اند که در ادامه به حضرت آسیه و مادر حضرت موسی (علیهما السلام) اشاره می‌شود.

الف. مادر حضرت موسی (علیه السلام)؛ یکی دیگر از نمونه‌های زنان با ایمان که علی‌رغم احساسات عمیق مادرانه مثل کوه استوار علی‌رغم نگرانی برای به دریا افکندن فرزندش، اقدام به این کار نمود، مادر حضرت موسی (علیه السلام) است که در سوره قصص به تفصیل ماجرا بازگو شده است. خداوند در آیه ۷ سوره قصص اشاره می‌کند که مادر حضرت موسی (علیه السلام) کوه استوار از ایمان، در عین چشمه جوشانی از احساسات بود: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفَتْ عَلَيْهِ فَالْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» و به مادر موسی الهام کردیم که او را شیر بده، پس هنگامی که [از سوی فرعونیان] بر او بترسی به دریایش انداز، و مترس و غمگین مباش که ما حتماً او را به تو باز می‌گردانیم، و او را از پیامبران قرار می‌دهیم.»

ب. حضرت آسیه (علیها السلام)؛ سرگذشت حضرت آسیه (علیها السلام) می‌تواند نمونه زنانی باشد که پیوند احساس و ایمانش او را به سعادت و درجه قرب به خداوند رساند. خداوند در ضمن آیه ۹ سوره قصص، به چشمه جوشان احساسات این بانوی نمونه قرآنی اشاره می‌کند: «وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنَ لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا»؛ همسر فرعون (چون دید آنها قصد کشتن کودک را دارند) گفت: «نور چشم من و توست! او را نکشید شاید برای ما مفید باشد، یا او را بعنوان پسر خود برگزینیم!» و آنها نمی‌فهمیدند (که دشمن اصلی خود را در آغوش خویش می‌پروراندند)!!». همچنین در آیه ۱۱ سوره تحریم اشاره به ایمان حضرت آسیه (علیها السلام) می‌شود: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»؛ و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!» ایمانی که سرشار از اوج احساسات حضرت آسیه می‌باشد، به

لحظه‌ای بر می‌گردد که آسیه معجزه موسی را در مقابل ساحران مشاهده کرد اعماق قلبش به نور ایمان روشن بود و از همان لحظه به پیامبر خدا ایمان آورد؛ اما ایمان خود را مکتوم می‌داشت. هنگامی که فرعون از ایمان او باخبر شد، بارها او را نهی کرد ولی این زن تسلیم خواسته فرعون نشد و تا آخرین لحظه‌های عمر خود از خداوند همنشینی با پروردگار و نجات از ستمکاران را درخواست نمود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۸۹)

۶. ابزار جنسی نبودن

مقام معظم رهبری درباره زنان در الگوی سوم زن مسلمان اینگونه می‌فرمایند که در این الگو، زن هیچگاه ابزار جنسی نیست؛ بلکه جایگاه مستقلی دارد. ایشان می‌فرمایند: «یک نامعادله‌ای را بتدریج به وجود آوردند؛ یک طرف ذی نفع و یک طرف مورد انتفاع، بشریت را اینجوری تقسیم کرده‌اند. طرف ذی نفع مرد است، طرف مورد انتفاع عبارت است از زن. در فرهنگ غربی اگر زن بخواهد در جامعه نمود پیدا کند، شخصیت پیدا کند، حتماً باید از جذابیت‌های جنسی خودش چیزی را ارائه دهد.» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان نخبه ۱۳۹۰/۳/۱)

اسلام زن را به عنوان موجودی گرانقدر و ارزشمند می‌داند که از اجزای مهم جامعه بشری با هویت بالا و والا، با شخصیت مستقل و برخوردار از تمام حقوقی که متناسب با خلقت اوست برخوردار است. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً؛ (نساء، ۱) ای مردم بترسید از پروردگارتان، آن که شما را از یک تن بیافرید و از آن یک تن همسر او را و از آن دو، مردان و زنان بسیار پدید آورد.» آیه فوق به این مطلب اشاره دارد که با خلقت زن و مرد امکان گسترش نسل فراهم گردد و هر دو در یک رتبه و مقام قرار دارند؛ تن‌ها ملاک جهت ارزش‌گذاری و تفاوت بین زنان و مردان طبق آیه ۱۳ سوره حجرات تقوا شمرده شده که خداوند ملاک و معیار را اینگونه توصیف می‌کند: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست»

مخاطب سخن در آیه اول سوره نساء، تمام افراد انسان اعم از زن و مرد است، زیرا محتویات این سوره در حقیقت به نفس واحد یا یک اصل واحد که همه از یک پدر و مادر هستند و در آفرینش از یک گوهرند، اشاره می‌کند. اگر ما به نظام جهان هستی نگاه کنیم نظامی است که نظام احسن خوانده می‌شود. در نظام احسن تبعیض و ظلم بر احدی روا نمی‌شود؛ این که جمعی به نام زن و مرد خلق شده‌اند برای بقای نسل است. (اعتمادی، ۱۳۹۴، ص ۱۰-۱۲)

خداوند رحمان در آیه ۱۸۷ سوره بقره بیان می‌فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ» از این آیه برداشت می‌شود که زن و مرد مکمل و لازمه زندگی یکدیگرند؛ نه مرد بدون زن و نه زن بدون مرد، می‌تواند زندگی کند. از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که زن نه تن‌ها ابزار برای مردان نیست، بلکه طبق آیات قرآن مکمل و ذی نفع مساوی با مرد در تمام امور زندگی می‌باشد؛ هر کجا استفاده ابزاری از زن صورت گرفته، از مسیر تجاوز به حقوق زن و با نگاه صرفاً ابزاری و منهای نگاه دین به زن می‌باشد.

البته تفاوت در عملکرد و فعالیت‌های اجتماعی مانند حضور در جنگ و خط مقدم که وظیفه پرمخاطره‌ای است از دوش آنان برداشته شده؛ اما دریافت این فضیلت با فعالیت‌های پشت جبهه حاصل می‌شود همانند صدر اسلام که حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت زهرا علیها السلام در جهت پیشبرد اهداف جامعه مسلمین حضور مؤثر داشته‌اند و به ایفای وظیفه می‌پرداختند. همین طور با توجه به آیات قرآن به دست می‌آید که برای یک زندگی خانوادگی و اجتماعی مطلوب، برای زنان سهم و بهره متناسبی در اقتصاد، مالکیت، ارث و... قرار داده شده است که در یک نگاه جامع کاملاً عادلانه می‌باشد. (اعتمادی، ۱۳۹۴، ص ۲۰)

۷. حضور در میدان سیاسی

مقام معظم رهبری در بخشی دیگر از بیانات خود، «حفظ شخصیت زنانه، در ضمن پیشرفت در معنویت و علم و حضور در میدان سیاسی» را جزء مؤلفه‌های الگوی سوم زن مسلمان می‌داند و می‌فرماید: «زن ایرانی در ایران اسلامی، باید کوششش این باشد که هویت والای زن اسلامی را آن‌چنان زنده کند که چشم دنیا را به خود جلب کند. زن مسلمان زنی است که هم دین خود را، حجاب خود را، زنانگی خود را، ظرافت‌ها و رقت‌ها و لطافت‌های خود را حفظ می‌کند؛ هم از حق خود دفاع می‌کند؛ هم در میدان معنویت و علم و تحقیق و تقرّب به خدا پیشروی می‌کند و شخصیت‌های برجسته‌ای را نشان می‌دهد و هم در میدان سیاسی حضور دارد.» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان، ۱۳۷۹/۶/۳۰)

آیت الله جوادی آملی در کتاب زن در آئینه جلال و جمال می‌فرماید: «دین بشر را با دید جمعی می‌نگرد و صرف نظر از وجود یا عدم وجود جامعه حقیقی، برای انسان یک هویت جمعی معتقد است؛ از این رو وظایفی را به نام مسائل اجتماعی مطرح می‌کند و مسلمانان را به انجام آنها فرا می‌خواند.. قرآن کریم در سوره نور آیه ۶۲ مومنان راستین



را چنین می‌شناساند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ». یعنی مومنان راستین کسانی هستند که هم از نظر عقیده به خدا و پیامبرش معتقدند و هم از نظر درک مسائل اجتماعی، جامعه را خوب می‌شناسند و در مسائل جمعی همواره حضور دارند و منزوی نیستند خداوند می‌فرماید: که مومنان راستین در هیچ امری رهبرشان را تن‌ها نمی‌گذارند. این نموداری از وظیفه جمعی افراد جامعه است که قرآن آن را ترسیم می‌کند و در این بخش فرقی بین زن و مرد نیست. چنانکه در انقلاب اسلامی نیز حضور در صحنه سیاسی و اجتماعی وظیفه مشترک زن و مرد بوده است. حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه و دیگر مسئولان نظام بر این حضور مشترک تاکید داشته و دارند. اگر کارها و فعالیت‌های زنان در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی صدر اسلام به خوبی شناسانده می‌شد، روشن می‌گردید که زن‌ها در پیشبرد مسائل نظامی همواره در صحنه بوده‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، صص ۲۳۹-۲۴۰)

نمونه‌های زنانی که در صحنه‌های سیاسی در اجتماع حضور مؤثر داشتند، به شرح ذیل می‌باشد:

الف. بلقیس، ملکه سبأ؛ در سوره نمل آیات ۲۳ الی ۴۴ به ماجرای بلقیس اشاره می‌کند؛ اگرچه او یک پادشاه زن بود ولی از بسیاری از زمامداران مرد عاقل‌تر بود و شجاعت را در تسلیم حق شدن دید لذا صحنه اجتماعی و سیاسی جامعه را با خردمندی و حق جویی مدیریت کرد و از خونریزی‌های بیهوده حفظ نمود. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۶). طبق آیات فوق اشاره می‌کند این بانو از نظر مسائل سیاسی و نظامی قدرتمند بود و لکن درعین قدرت برخلاف بسیاری از حاکمان مغرور و سلطه طلب، وی با قدرت عقل و تصمیم صحیح در صحنه اجتماع و سیاست وارد شد.

ب. حضرت خدیجه رضی الله عنها یکی از الگوهای منحصر به فرد در خصوص نقش تأثیرگذار یک زن در عرصه سیاسی حضرت خدیجه رضی الله عنها بوده است که با پشتوانه مالی و ایمانی خود در شرایط خاص و حساس در صحنه سیاست حضور فعالانه‌ای در کنار پیامبر خاتم حضرت محمد صلی الله علیه و آله ایفا نمود. آیه ۸ سوره ضحی «ووجدك عائلا فاغني» به نقش ویژه آن حضرت اشاره دارد. براساس تفسیری که از آیه فوق رسیده، زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای پیشرفت اسلام به پشتوانه مالی و انسانی نیاز داشت حضرت خدیجه رضی الله عنها با حمایت مالی و ایمانی خود نقش مؤثری ایفا نمودند.

ج. حضرت زهرا رضی الله عنها یکی دیگر از الگوهای بارز حاضر در صحنه سیاست بود. بر اساس آیه ۶۱ سوره آل عمران خداوند متعال می‌فرماید: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ

عَلَى الْكَاذِبِينَ؛ پس کسی که مجادله کند در آن پس از آنچه آمد تو را از دانش، پس بگو بیائید بخوانیم پسرانمان را و پسرانتان را و زنانمان را و زنانتان را و نفسهایمان (خودمان) را و نفسهایتان (خودتان) را، سپس نفرین نمائیم، پس بگردانیم لعنت خدا را بر دروغگویان».

مباهله در لغت به معنای لعنت کردن یکدیگر و نفرین کردن است. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۷۲) مباهله، در اصطلاح به معنای درخواست نزول لعن و عذاب بر مخالف پس از بی حاصل ماندن بحث و مناظره است. (بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، ص ۹۵) و تن‌ها به مواردی اختصاص دارد که دو طرف برای اثبات موضوعی غالب دینی و مذهبی، در مقابل یکدیگر قرار گرفته و از خداوند درخواست لعن و نفرین و نزول عذاب بر طرف دروغگو می‌کنند. (طریحی، ۱۳۶۷ ش، ج ۱، ص ۴۵۷).

در آیه مبارکه مباهله وقتی خدای تبارک و تعالی شرط صحیح بودن مباهله را اجتماع سه گروه زنان، مردان و فرزندان قرار می‌دهد، تا مباهله انجام گیرد می‌بینیم که پیامبر ﷺ همراه علی بن ابیطالب علیه السلام، حضرت زهرا علیها السلام و امام حسن و امام حسین علیهم السلام برای انجام مباهله می‌روند؛ سه رکن برای جمع شدن و قسم یاد کردن لازم است که یکی از ارکان باید زن باشد، که آن حضرت زهرا علیها السلام است. از آنچه گفتیم به دست می‌آید که برخلاف نظر غلط بعضی از افراد که می‌گویند زن ناقص است و اسلام دین مردان است، زنان در مواقع حساس، به سهم خود در پیشبرد اهداف اسلام همراه مردان در مقابل دشمن ایستادگی کردند. صفحات درخشان زندگی فاطمه زهرا علیها السلام گواه این حقیقت است. پس اگر قرار بود خدا در زن نقص خلقتی قرار داده باشد، نمی‌بایست در این میدان تشریع که امر ولایت به او وابسته است و پیامبر ﷺ می‌خواهد نبوت و حقانیت خودش را ثابت کند دستور دهد زنان را هم بیاورید.

نتیجه‌گیری

با بررسی مبانی قرآنی مؤلفه‌های الگوی سوم زن مسلمان در بیانات مقام معظم رهبری، به این نتیجه رسیده شد که زن مسلمان در چارچوب آموزه‌های اسلام، می‌تواند به عنوان یک فرد فعال و تاثیرگذار در جامعه حضور یابد. الگوی سوم زن مسلمان که مقام معظم رهبری به آن اشاره می‌کنند، الگویی است که زن را دارای مؤلفه‌های ذیل می‌داند:

۱. عفاف و حجاب؛ در قرآن از مصادیقی نام برده شده که الگوی جامع و به عبارتی ملکه عفت، حیا و حجاب بوده‌اند؛ آیه ۱۸ سوره مریم و ۲۵ سوره قصص به ترتیب با



اشاره به حضرت مریم و دختران شعیب از نمونه‌هایی یاد می‌کند که با وجود زن بودن و حضور در اجتماع رعایت حریم عفت و حیا را از لوازمات ضروری دانسته و در حد اعلی رعایت نمودند.

۲. معنویت؛ در آیات ۱۱ تحریم با اشاره به سرگذشت آسیه، در آیه ۳۵ احزاب با اشاره به شاخص ایمان و معنویت که در صورت بروز در زنان موجب پیشرفت خانواده خواهد شد در مجموع آیات مذکور زنان در مسائل معنوی پیشگام هستند.

۳. انسانیت؛ یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم از منظر رهبری، اشاره به انسانیت است. ایشان تاکید می‌کنند که نگاه به جنسیت نگاه درجه دو است. نگاه درجه یک، حیثیت انسانیت است. با عنایت به آیات قرآن مشاهده می‌شود که خداوند سبحان هر جا سخن از شاخص انسانیت را مطرح نموده، برای زنان و مردان شرایط یکسانی را قائل است.

۴. نقاط مشترک در رسیدن به معنویت؛ آیه ۱۹۵ سوره آل عمران با اشاره به اینکه در پیشگاه خداوند رحمان نتیجه‌ای که زن و مرد از انجام اعمال دریافت می‌کنند، یکسان است؛ به این مسئله نیز می‌پردازد که چون حقیقت وجود زن و مرد یکسان است لذا در دریافت اجر و پاداش نیز یکسان هستند.

۵. کوه ایمان و چشمه احساس؛ مقام معظم رهبری زن را کوه استوار ایمان و چشمه جوشان احساسات معرفی می‌کند و صبر و حوصله و عاطفه او را نشأت گرفته از شخصیت ایمانی او می‌داند.

۶. ابزار جنسی نبودن؛ مقام معظم رهبری معتقد است هر جا به زن نگاه ابزاری شده صرفاً از راه تجاوز به حقوق زن اتفاق افتاده لذا با اشاره خداوند رحمان به آیه ۱۸۷ در خصوص لباس و پوشش و مکمل هم بودن زن و مرد و در آیه ۱ سوره نساء به حقیقت واحد زن و مرد نیز اشاره می‌کند.

۷. حضور در میدان سیاسی؛ در قرآن آیه ۶۲ سوره نور ضرورت حضور یکسان زن و مرد در عرصه اجتماع و سیاست را مطرح می‌کند، آیه ۲۳ الی ۴۴ سوره نمل ماجرای ملکه سبا، آیه ۸ ضحی حضور حضرت خدیجه علیها السلام و آیه ۶۱ آل عمران به ماجرای مباهله و حضور حضرت زهرا علیها السلام اشاره دارد.



منابع

- *قرآن کریم؛ ترجمه: آیت الله ناصر مکارم شیرازی.
۱. ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ ق، معجم مقاییس اللغة، چاپ اول، قم ف مکتب الاعلام الاسلامی.
 ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۷۱۱ ق، لسان العرب، چاپ اول، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر.
 ۳. اعتمادی، فاطمه، ۱۳۹۵ ق، اوج مقام انسانی زن، چاپ اول، طنین قلم.
 ۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۳، زن در آیینه جلال و جمال، چاپ هجدهم، قم، اسراء.
 ۵. سید جوادی، احمد، ۱۳۸۵ دایره المعارف تشیع، چاپ ششم، شهید سعید محبی.
 ۶. خمینی، روح الله، ۱۳۸۲، شرح حدیث جنود عقل و جهل، چاپ ۵۹، تهران، مؤسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی.
 ۷. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، مترجم سید غلامرضا خسروی حسینی، ۱۳۸۸، چاپ چهارم، مرتضوی.
 ۸. شرتونی، سعید، اقرب الموارد فی فصیح العربیه والشوارد، ۱۳۷۷ ق، چاپ اول، اداره کل حج و اوقاف.
 ۹. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، ۱۳۷۸، چاپ پنجم، امیرکبیر.
 ۱۰. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ۱۳۸۷ ق، چاپ چهارم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۱۱. عظیمی فر، مینا، «تیتیر خبر»، خبرگزاری برنا، ۱۴۰۲ (۲۰ آذر)، مشاهده شده در ۱۴۰۳/۳/۱۴، آدرس سایت.
 ۱۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۸ ق، کتاب العین، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
 ۱۳. قرائتی، محسن، ۱۳۷۴ ش، تفسیر نور، مؤسسه راه حق.
 ۱۴. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۸۶ ش، بحارالانوار، اسلامیه، چاپ چهارم.
 ۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ ش، تفسیرنمونه، چاپ اول، تهران، دارالکتاب اسلامیه.
 ۱۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۸۶ ش، فرهنگ قرآن، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ چهارم.
 ۱۷. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری. KHAMENEI.IR